

## نگاهی به کتاب

## منارعه فلسطین و اسرائیل

الهام قاسمی

خبرنگار



در طول تاریخ هیچ سرزمینی مانند فلسطین محل مناقشه و اختلاف نبوده است. در سال ۱۹۴۸ میلادی و در جریان یک حکم اروپایی، جنگی بر سر سرزمین پهناور فلسطین شروع شد که تاکنون ادامه دارد. آثار زیادی به این جنگ پرداختند، کتاب «منارعه فلسطین و اسرائیل» یکی از آنهاست. این کتاب، هفتاد و هشتمین اثر از مجموعه تاریخ جهان در انتشارات ققنوس است که نگاهی تحلیلی به تاریخ فلسطین و سرگذشت آن دارد و سعی می‌کند ارتباط میان رخداد های گذشته بر وضعیت امروز این سرزمین را بررسی کند.

کتاب شامل پنج فصل است و عناوین اصلی آن که تشکیل اسرائیل و حواشی مربوط به آن را از ابتدا تا امروز مرور می‌کند، عبارتند از پیشگفتار که نویسنده در آن رویدادهای مهم در منارعه فلسطین و اسرائیل و حق دیرینه را مورد بررسی قرار داده است و پنج فصل بعدی که عناوین آنها به ترتیب عبارتند از: سرزمین فراموش شده‌ای که کانون توجه می‌شود، نبرد ناممکن، در انتظار فرصت مناسب، پای میز مذاکره، ورود به هزاره جدید و سخن پایانی که به بررسی راه حل برای رفع اختلاف و منارعه بین دو کشور می‌پردازد. پس از این فصول هم «یادداشت‌ها»، «برای مطالعه بیشتر» و «نمایه» درج شده‌اند.

تمرابی. اور با روایتی بی طرفانه تصویر صحیح و درستی از اسرائیل و موجودیت آن ارائه کرده که با قرائت رسمی آمریکا و کشورهای غربی هم خوانی چندانی ندارد. او می‌گوید اسرائیل برای اولین بار در سال ۱۹۴۸ به نتیجه حکمی اروپایی شکل گرفت. یکی از اشارات مهم دیگرش این است که اعراب، اسرائیلی‌ها را بیشتر در قامت صلیبیون معاصر اروپایی می‌دیدند تا مردم قومی که مدعی وطن گمشده شان بودند. از دیگر ا واقیعت‌های مغفول مانده که نویسنده در اثرش به آن اشاره کرده این است که فلسطین تا نیمه اول قرن ۱۹، سرزمین مهمی نبود و تا پیش از آن مقطع تاریخی این محدوده جغرافیایی، مکانی بی اهمیت و رها شده بود که توجه چندانی جلب نمی‌کرد. اما این بخش از خاورمیانه، پس از نیمه اول قرن ۱۹، توجه یهودیان تندرو و صهیونیست را برای تشکیل کشور یهودی به خود جلب کرد.

گفتنی است که تمرابی، اور برای نوشتن این کتاب از منابع تاریخی دسته‌اولی چون نوشته‌های رشید خالدي، مورخ فلسطینی یا بنی موريس تاريخ پژوه يهودی استفاده کرده است.

نسخه اصلی کتاب در سال ۲۰۲۰ توسط انتشارات لوستن پرس منتشر شد و ترجمه فارسی آن به قلم پریسا صیادی برای اولین بار در دی ماه سال ۹۹ توسط نشر ققنوس چاپ شد.



روایت پیشرفت

قرن ۱۴۰۳



نقد

یادداشت

گزارش

گفت و گو

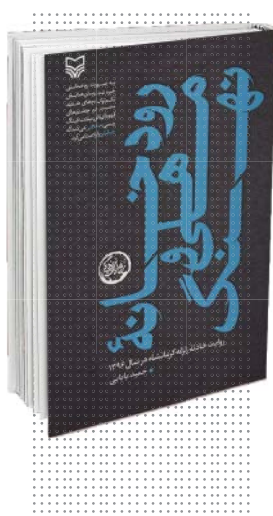
ضمیمه کتاب و ادبیات روزنامه جام جم | سه‌شنبه، ۲۳ مرداد ۱۴۰۳ | شماره ۲۶۵

نویسنده «رودخانه ماهی و نهنگ» در بیست و چهارمین عصرانه کتاب ژرفا

## اعتقادی به روایت بی طرفانه ندارم!

## اعتقادی به روایت بی طرفانه ندارم

این نویسنده عنوان کرد: من با مسئولان اندیشکده باقرالعلوم صحبت کردم و خواستم اجازه دهند من روایت خود را بنویسم و بعد آنها بخوانند و نظر بدهند. به این ترتیب آنها در نگارش کتاب دخالت نکردند و من توانستم جهانی که می‌خواهم را در این اثر بیافرینم. در اینجا مهم، ساختن جهانی بود که بتوان یک اثر را در آن خلق کرد. آن جهان زمانی ساخته می‌شود و مخاطب با آن ارتباط پیدا می‌کند که شما بتوانید از قوه تخیل در بخشی از آن استفاده کنید. بابایی گفت: برای من مستندسازی به این شکل تعریف شده که تخیل در آن جایی داشته باشد، ضمن این که اعتقادی به روایت بی طرفانه ندارم. به نظرم روایت مستند صرف هرگز شکل نمی‌گیرد. چون نویسنده باتوجه به جایی که ایستاده و روایت می‌کند بالاخره در سمتی از ماجرا ایستاده است. از این رو سعی کردم در رودخانه ماهی و نهنگ، شخصیت‌های خیالی ایجاد کنم تا این که به سمت دیگری بروم.



سلسله نشست‌های «روایت پیشرفت» با موضوع کتاب «رودخانه ماهی و نهنگ» به نویسندگی حمید بابایی، در مرکز مطالعات راهبردی ژرفا برگزار شد. در این نشست ادبی نویسنده کتاب و امیر خدوردی منتقد و نویسنده حضور داشتند.

## طی شش ماه این کتاب را نوشتم

حمید بابایی، نویسنده کتاب رودخانه ماهی و نهنگ گفت: در واقع ماجرای کتاب به زلزله کرمانشاه در سال ۹۶ برمی‌گردد. در این زلزله بعضی از روستاها صد درصد تخریب می‌شوند و مشکلات جدی پیدا می‌کنند. در این میان نیروهای مسلح تصمیم می‌گیرند برای ساخت روستاها آن را میان افراد خود تقسیم کنند که یک روستا لب‌مرز می‌افتد که نه نیروهای ارتش به آن می‌رسند نه نیروهای سپاه! البته عمدی در میان نبود. در واقع رودخانه ماهی و نهنگ روایت ساخته شدن یک روستا توسط تعدادی طلاب است. این نویسنده افزود: سوژه کتاب که تاریخ شفاهی بود به من پیشنهاد شد و من طی شش ماه این کتاب را نوشتم. از طرفی افرادی که در ساختن روستا کمک کرده، یک عده طلاب بودند و هرچند من، دانش‌آموز طلبه در مدرسه اسلامی هنر داشتم و دوستان طلبه هم دارم اما تا حالا ندیده بودم که طلاب دست به کار بیدی بزنند و برای همین ارتباط و صحبت با آنها برایم جالب بود، اگرچه ارتباط با آنها سخت بود. چون حاضر به صحبت درباره این کار نبودند.

## سعی کردم با آنها دوست شوم

بابایی در ادامه بیان کرد: برای گرفتن روایت آنها، سعی کردم با آنها دوست شوم تا بتوانم از آنها ماجرای ساختن روستا را بشنوم. از این رو تلاش کردم که صحبت‌های شعاری در کتاب نیاید و به شکل روضه هم نباشد. برخی از طلبه‌ها روایت جالبی داشتند و برعکس روایت برخی دیگر جالب نبود، برای همین سعی کردم بعضی روایت‌ها را ترکیب کنم تا یک روایت داستانی به دست بیاورم. این نویسنده درخصوص کاراکترها و شخصیت‌های کتاب گفت: در کتاب سعی کردم بعضی کاراکترها را دست‌کاری کنم و حتی کاراکتر خیالی بسازم. همان‌طور که می‌دانید من در روایت‌سازی زبان خیلی تندی دارم و خیلی هم مخالفان سرسخت روایت‌های دفاع مقدس هستم. مخالفت با آثار زیادی که در این حوزه منتشر می‌شود و اغلب کیفیت خوبی ندارد. هر چند در این حوزه آثار باکیفیت هم تولید می‌شود اما تعدادش خیلی اندک است.

او ادامه داد: من با نویسنده خانم صحبت می‌کردم که گفت طی ۱۰ سال ۷۰ کتاب نوشتم و من به او گفتم چطور در این ۱۰ سال هفتاد کتاب نوشتی؟! به عبارتی اگر رنویسی هم می‌کرد، نمی‌توانست این تعداد کتاب داشته باشد! فکر می‌کنم این نویسنده فقط مصاحبه گرفته و پیاده کرده است. بحث من این نیست که صرفاً تخیل وارد شود بلکه تاکید من روی نگارش اثر است.



برای من

مستندسازی

به این شکل

تعریف شده که

تخیل در آن جایی

داشته باشد

ضمن این که

اعتقادی به روایت

بی طرفانه ندارم

## رعایت استانداردهای روایت

امیر خدوردی، منتقد نیز در ادامه نشست گفت: به نظرم کتاب از این لحاظ که استانداردهای روایت را به خوبی رعایت کرده، کتاب ارزشمندی است. مولف تا جایی که می‌توانسته سمت شعار و تبلیغ نرفته و حتی با سوءنیت وارد می‌شود و بعد سعی کرده موضوع را بی طرفانه روایت کند.

او افزود: ما معمولاً در نقد ادبی به انواع ادبی کاری نداریم، در حالی که این نکته خیلی مهم است و اگر قرار است متن ادبی را نقد کنیم ابتدا باید مشخص کنیم این متن چه نوع ادبی دارد؟ داستان است یا نادره داستان، تاریخ یا جستار؟ اگر تاریخ باشد باید سند تاریخی در ضمیمه کتاب قرار بگیرد و براساس آن اسناد کتاب نوشته شود. امروز نام آن را روایت گذاشتند و حدودی برای آن قائل هستند؛ روایت شخصی، روایت جمعی، روایت تاریخی و مستند.

## برخی روایت‌ها ریشه در واقعیت دارد

این منتقد اظهار کرد: یک روایت عام را هم به کار می‌گیرند با عنوان ناداستان. اگرچه ما از قدیم قالبی داشتیم که به آن خاطره‌نویسی می‌گفتیم. در این میان تفاوتی میان خاطره‌نویسی، داستان و ناداستان وجود دارد که تفاوتی ماهوی است. وقتی خاطره می‌نویسد علت حوادث را ذکر نمی‌کند فقط اتفاقات را می‌نویسد اما در داستان قبل و بعد اتفاق هم مهم است که پیرنگ داستان را در بردارد.

امیر خدوردی گفت: ناداستان در میان تاریخ و داستان قرار دارد، به عبارتی اتفاقی رخ داده و متکی بر واقعیت است اما شکل داستان دارد و قوه خیال در آن، ایفای نقش می‌کند. بنابراین در کتاب رودخانه ماهی و نهنگ برخی روایت‌ها ریشه در واقعیت دارد اما شخصیت پردازی در آن مهم است.

